

بیش معنوی ۲۶

نوشته‌ی

ویلیام دانالد هادسون

ترجمه‌ی

مصطفی ملکیان

لودویگ ویتگنشتاین

رابطه فلسفه‌ی او به باور دینی

نشر نگاه معاصر

فهرست

| | |
|----|------------------------------------|
| ۷ | ۱. درآمد |
| ۱۱ | ۲. زندگی |
| ۱۵ | ۳. نگرش به دین |
| ۱۹ | ۴. تفکر متقدم |
| ۲۰ | معنا به منزله‌ی محکمی معین |
| ۲۴ | نظریه‌ی تصویری |
| ۲۷ | مصدق و مدلول |
| ۲۹ | ثوابت منطقی |
| ۳۱ | ۵. "آنچه نمی‌توان گفت" |
| ۳۱ | پوزیتیویزم منطقی |
| ۳۵ | ردّ مابعدالطبیعه |
| ۴۳ | الاهیات و ابطال |
| ۴۸ | مسأله‌ی تعالی |
| ۶۱ | ۶. تفکر متأخر |
| ۶۱ | "نقد رساله" |
| ۶۳ | بازیهای زبانی |
| ۶۹ | باور دینی |
| ۷۷ | حیرت فلسفی |
| ۸۱ | ۷. "الاهیات به منزله‌ی دستور زبان" |
| ۹۹ | یادداشتها |

درآمد

به گمان من، ویتگنشتاین اگر خود را مندرج در مجموعه‌ای با عنوان پدیدآورندگان کلام جدید می‌دید دستخوش شگفتی، و شاید وحشت، می‌شد. اوِ الاهیدان^۱ نبود، بلکه فیلسوف بود. قطعاتی که، در مکتوبات نشر یافته‌اش، اشاره‌ی صریح به الاهیات دارند سهم ناچیزی از کلّ این مکتوبات‌اند. با اینهمه، هرکس که بخواهد از الاهیات فهمی امروزی کسب کند باید از آثار وی اطلاع داشته باشد.

او مجذوب مفهوم معنا بود. در چه اوضاعی زبانُ معنادار است، و در چه اوضاعی، بیمعنا؟ پاسخهای او به این پرسش بیشترین اهمّیت را داشت و گزاف نیست اگر بگوییم که این پاسخها تفکر فلسفی یک نسل را در این کشور [یعنی در انگلستان] شکل داده‌اند.

فهم الاهیات مسیحی، البته، عمدتاً خبر گرفتن از سخنانی است که الاهیدانان گفته‌اند، اما فهم این مطلب هم هست که گفت‌وگوی آنان درباره‌ی خدا چه نوع گفت‌وگویی است، ساختار منطقی آن چیست، و با دیگر اقسام سخن، از قبیل نظریه‌پردازی علمی یا داوری اخلاقی، چه ربط و نسبتی دارد؟ جدّی‌ترین تحدّی^۲ فکری‌ای که مؤمنان مسیحی، در روزگار ما، باید بدان

1. theologian

«الاهیدان» را، به قیاس با «ریاضیدان» و «طبیعیان» به کار، می‌برم.

2. challenge

پاسخ گویند از جانب کسانی است که معناداری زبان دینی را مورد شک و شبهه قرار می‌دهند. بحث در اینکه آیا باورهای ما صادقند یا کاذب فایده‌ای ندارد، مگر اینکه این باورها معنایی داشته باشند؛ و بعضی از فیلسوفان جدید ادله‌ی قوی‌ای اقامه کرده‌اند بر اینکه باورهای دینی معنایی ندارند. در این بررسی کوتاه، و بناچار بسیار دست و پاشکسته، می‌کوشیم تا پاره‌ای از نظراتی را که نافذترین فیلسوفان جدید در باب معنا بیان کرده‌اند روشن سازیم و به ربط آنها با باور دینی و الاهیات اشاره کنیم.

خواننده نباید انتظار داشته باشد که در این کتاب حقایق تازه‌ای درباره‌ی خدا بیابد. فیلسوفان، یا لاقلاً فیلسوفان تحلیلی‌مَشْرَبِ معاصر، مانند عالمان علوم تجربی، مورخان، یا الاهیدانان نیستند که مشغله‌شان کشف حقایق تازه باشد. در فلسفه، به قول ویتگنشتاین، «مسائل، نه با ارائه‌ی اطلاعات جدید، بلکه با تنظیم آنچه همواره می‌دانسته‌ایم، حل می‌شوند.»^(۱) آنچه فیلسوف در آن می‌کوشد این است که نشان دهد که اموری که می‌شناسیم چه شباهتهایی، و عدم شباهتهایی با یکدیگر دارند؛ و حقیقت دانستن، یا مُراد کردن، یا باور داشتن چیست.

و متأسفم از اینکه بگویم: خواننده این انتظار را هم نباید داشته باشد که در این کتاب نوری بیابد که یک بار برای همیشه او را از سردرگمی در الاهیات یا دین نجات دهد. در فلسفه، همواره چنین است که درست زمانی که همه چیز مرتب و منظم به نظر می‌رسد تازه می‌بینیم که پاره‌ای از چیزها در جاهایی که به آنها اختصاص داده شده‌اند کاملاً جا نمی‌افتند. استعداد برای حیرت‌زدگی از آنچه دیگران گفته‌اند، و نه استعداد برای رضا دادن به آنچه گفته‌اند، معیار استعداد برای فلسفه است. لرد راسل^۱ می‌گوید: اندکی پس از آنکه ویتگنشتاین به کیمبریج^۲ آمد، از جی. ای. مور^۳ پرسیدم: گمان می‌کنی که شاگرد جدیدمان یک نابغه باشد یا آدمی عجیب و غریب؟ مور گفت: گمان

۱. Lord [Bertrand] Russel، فیلسوف، ریاضیدان، و نویسنده بریتانیایی (۱۸۷۲-۱۹۷۰)

2. Cambridge

۳. G[eorge] E[dward] Moore، فیلسوف انگلیسی (۱۸۷۳-۱۹۵۸)

می‌کنم که ویتگنشتاین نابغه باشد. پرسیدم: چرا؟ (برای درک عمق داستان، باید بدانید که مور احتمالاً سر سخنانه‌تر از هر فیلسوف جدید دیگری در راه ساده‌گویی می‌کوشید.) مور پاسخ داد: «زیرا تنها کسی است که از درسهای من شگفتزده و گیج می‌شود!»^(۲)

سردرگمی می‌پاید، اما گهگاه مه و ابری که بر فراز معضلات خاصی قرار گرفته است پراکنده می‌شود. شاید گزافه نباشد امید به اینکه این بررسی کوتاه خواننده را به ایضاح بیشتر پاره‌ای از موضوعات و مسائل راجع به معنای زبان الاهیات یا دین و فهم اندک بهتری از حقیقت باور مسیحی توانا سازد.